فعالیت‌های نگارشی

صفحهٔ ۴۱ کتاب درسی

متن زیر را بخوانید و مشخّص کنید که کدام بخش آن، به نقّاشی نزدیک‌تر شده است.

صندوقچهٔ مادربزرگ

صندوقچهٔ مادربزرگ، گنجینهٔ خاطرات من بود. مادربزرگم همیشه با دیدن من سراغ صندوقچهٔ قدیمی‌اش می‌رفت و نقل و نباتی دستم می‌داد؛ انگار تمام دارایی‌های مادربزرگ در آن صندوقچه بود. همیشه درِ آن را با دقّت قفل می‌کرد. صندوقچه به شکل مستطیل و چوبی بود و روکشی پر نقش و نگار از جنس فلز داشت که بر روی چارپایهٔ چوبی خود در کنج اتاق مادربزرگ، جا خوش کرده بود. درش به سمت بالا باز می‌شد و دوباره به طرف پایین می‌آمد و روی آن را می‌پوشاند. بر دیوارهٔ جلویی آن سه ردیف حلقه بر بدنهٔ صندوق قرار داشت که میله‌ای فلزی از میان آنها عبور می‌کرد و قفلی به شکل نیم‌دایره در آن حلقه‌ها جای می‌گرفت و مادربزرگ چند بار کلید را در آن می‌چرخاند تا قفل شود؛ کلید به رنگ قهوه‌ای سوخته بود و شبیه پیچ، خطوط دایره‌ای به دور آن چرخیده بود.

دنبالهٔ این کلید، نخی کلفت و خاکی‌رنگ، به طول بیست سی سانت داشت که به روسری گُلدار و بلند مادربزرگ گره می‌خورد و بلافاصله بعد از قفل کردن در جیب داخلی سمت چپ جلیقهٔ مادربزرگ جا می‌گرفت. گاهی هم برای اطمینان بیشتر آن را از سوراخ جادکمه‌ای جلیقه رد می‌کرد و بعد در جیبش جا می‌داد تا دیگر دست هیچ سارقی به آن نرسد. اصلاً کسی جرئت نمی‌کرد به آن، چپ نگاه کند.

خلاصه، تمام شکل و شمایل صندوق، درست و دست‌نخورده، هنوز در ذهن من باقی است. من در خاطراتم دنبال آن روسری و جلیقهٔ مادربزرگ می‌گردم تا شاید کلید صندوق را بیابم و اسرار کودکی‌های خود و نفس‌های مادربزرگم را در آن پیدا کنم.

درست‌نویسی

صفحهٔ ۴۴ کتاب درسی

جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

مردمی با مشت‌های گره‌کرده که پیش می‌رفتند را دیدم.

مردمی را که با مشت‌های گره‌کرده پیش می‌رفتند، دیدم.

گلی که بوی خوشی داشت را بوییدم.

گلی را که بوی خوشی داشت، بوییدم.

خرید آنلاین در gajmarket.com